

لا اله الا الله محمد رسول الله

به نام خدا

# نوآوری در علوم قرآن

## (EQ)

مؤلف: طاهره سایه میر

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)  
۱۳۹۹

## تقدیر و تشکر:

سپاس و ستایش بی انتها خدای  
را که دگر بار مرا مورد رحمتش  
قرار داد و از هدایت و رهنمودهای  
بندگان مورد عنایتش؛ استاد گرامی  
خانم دکتر فقیه که همواره مشوق  
حیات علمی مان بوده و هستند و  
دکتر محمد حسین صانعی پور،  
دکتر عباس اوتاد، دکتر احسان  
قوام زاده و همسر گرامی ام  
برخوردار ساخت و برای همیشه  
مرا مرهون محبت و سپاسگزار  
آنان نمود.

## تقدیم به:

پیشگاه مقدس آخرین فرستاده‌ی خدا، منادی  
ایمان، نجات‌بخش انسان‌ها و رحمت‌عالمیان،  
حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم  
و به دوازده اختر فروزان آسمان امامت و ولایت  
که درود و سلام خدا بر آنها باد  
و ارواح متعالی و پر عطفیت پدر و مادرم که به  
اذن پروردگار پدیدآورنده من بودند.



در این کتاب قطره‌ای از دریای بیکران قرآن کریم را به رشته تحریر درآوردیم.

باشد که هر کاوشگری توان کشف ذره‌ای از این دنیای بیکران را در وجود خود یابد.

# فهرست

فصل اول : کلیات ..... ۱۱

فصل دوم : بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی از نظر  
علم روان‌شناسی ..... ۶۰

فصل سوم : تطبیق هوش هیجانی بر آموزه‌های  
قرآنی ..... ۱۳۱

## مقدمه

هوش هیجانی تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته آشنایی انسان با علوم و فنون جدید و مباحث روان شناختی که باعث درک بهتری از معنویات گردیده، در این میان هوش هیجانی مورد توجه بیشتر صاحب نظران قرار گرفته است، با کمی تدبیر در قرآن کریم متوجه این موضوع می شویم که کلیه این شایستگی ها در کتاب آسمانی (قرآن کریم) به دفعات در آیات ذکر گردیده، این امر مرا برآن داشت تا به قدر استطاعت و توان گوشه ای از این تطابق را به معرض دید عزیزان قرار دهم. اگر دانش انسان افزایش یابد و از سوی دیگر علم ثمره ای همراه با عقلانیت و عمل، باشد، قطعاً در کنترل عواطف و احساسات به انسان کمک خواهد کرد، چنانچه فردی با توانمندی هوش هیجانی انگیزه و هیجان خود را توجه نماید و عواطف را به شکل صحیح بروز دهد، می تواند، زندگی

و حیاتی معنادار و معقول همراه با کرامت برخوردار باشد. لذا دانستن چگونگی کسب و استفاده از آن در هدایت و پیشبرد امور در جنبه‌های مختلف اثرگذار است.

بررسی هوش هیجانی از منظر قرآن کریم در تحقیقات، در مقام والایی واقع نشده غافل از اینکه تمامی این شایستگی‌ها برای آرامش و پیشرفت انسان‌ها بیان شده؛ در عصر حاضر نیز که از آن به عنوان عصر دانایی نام می‌برند، اهمیت لازم به آن داده نشده است.

در این کتاب سعی بر آن شده تا مفاهیم هوش هیجانی از نگاه قرآن کریم، علم روان‌شناسی و با تأکید به نظر مفسران و اندیشمندان استنباط و تنظیم گردد.

## چگونه این کتاب تنظیم شده؟

در این کتاب تلاش شده است با رویکرد علمی - دینی و به روش توصیفی - تطبیقی مؤلفه‌های هوش هیجانی از منظر قرآن کریم و علم روانشناسی با نگرشی نو تحلیل و مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا مفاهیم و کلید واژه‌های

«هوش هیجانی» از لحاظ علمی و نظر اندیشمندان غربی آثار و مطالعات روان شناسان مورد بررسی قرار گرفته، سپس مؤلفه‌های «هوش هیجانی» با آموزه‌های قرآنی مورد کاوش و تفحص صورت گیرد. هوش هیجانی و تاریخچه آن در آثار و مطالعات روانشناسان بررسی شده است و در بخش علمی، مفاهیم هوش از نظر جمعی از صاحب‌نظران در این زمینه مطرح می‌گردد. انسان که موجودی مرکب دارای فطرت، غرائز و هیجان می‌باشد، برای بهتر زیستن شایسته است با هدایت و کنترل و مدیریت هیجان و احساسات خود آسیب‌های فردی اجتماعی را کاهش دهد. در قرآن کریم برای مراتب تکامل انسان روش‌های خاصی بیان شده است .

هوش هیجانی پدیده بغرنج و پیچیده‌ای نیست و با مطالعه بیشتر نسبت به این موضوع و توجه به این نکته، کدامیک از مؤلفه‌های هوش هیجانی را دارا هستید، به خودآگاهی که در کتب آسمانی به عنوان «خودشناسی» مطرح و نسبت به آن تاکید فراوانی شده است، دست خواهید یافت.

## اهمیت موضوع کتاب

با مطالعه این کتاب و توجه به مؤلفه‌هایی که بیان داشته‌ایم، می‌توانید به ارزیابی خود پردازید؛ احتیاج به سنجش و تست نیست بلکه با توجه به پیام‌هایی که در قرآن کریم و علم روان‌شناسی بیان شده با تمرین و ملکه شدن آن موارد، شما هم می‌توانید هوش هیجانی خود را تقویت نمایید و شاهد موفقیت‌های بی‌شماری در زندگی خود باشید.

**واژگان کلیدی:** هوش، هوش هیجانی، عقل، نفس، هوش معنوی، تجربیات دینی

فصل اول

# کلیات

## گفتاری کوتاه

روان‌شناسی به عنوان علم مطالعه رفتار و ذهن انسان، تا سال (۱۸۷۹) بخشی از فلسفه پنداشته می‌شد؛ پژوهشگران بیش از ۶۰ سال از منظر این علم، نقاط ضعف و قوت بیماران مورد تحقیق و بررسی قرار دادند. بتدریج با گذشت زمان دانش روان‌شناسی رشد یافت و به عنوان دانشی مستقل، در آلمان و امریکا مورد مطالعه قرار گرفته. اصطلاح «هوش هیجانی» به قدری مشهور شده که از آخرین مباحث متخصصین در خصوص درک تمایز بین منطق و هیجان بوده است. و امروزه به گونه‌ای وسیع به رسمیت شناخته شده است.

یکی از موضوعات پرطرفدار و بحث برانگیز در روانشناسی امروزه هوش هیجانی یا همان هوش عاطفی است. هوش هیجانی که اصطلاحی نوین در روانشناسی

محسوب می‌شود اولین بار در سال (۱۹۸۹) توسط پیتیر سالوی و جان مایر بکار برده شد؛ بعدها این اصطلاح به قدری مشهور شد که به عنوان مفیدترین عبارت روانشناسی شناخته شد.

خداوند سبحان در «قرآن» که با برترین الفاظ و عالی‌ترین معانی و اعجازها برای انسان‌ها فرستاده است، می‌فرماید: فطرت الله دادم و انبیاء فرستادم و انسان را با سرمایه آفریدم که سرمایه‌ها را شکوفا کنند و به شما نشان دهند. هوش هیجانی هم یکی از آن استعدادها است که خداوند در نهاد انسان قرار داده تا با انجام آموزه‌های دینی آن را از قوه به فعل درآورد.

## تعریف هوش

انسان موجودی، ناشناخته است و علم به تنهایی قادر به شناخت و تعریف انسان نیست، ضمن آنکه تعاریف ارائه شده نیز در طول زمان دستخوش تغییرات زیادی می‌شوند؛ به همین دلیل مفاهیم مرتبط با انسان از جمله

«هوش» نیز همانند دیگر تعاریف علمی در طول زمان تغییراتی داشته و دانشمندان در حال دستیابی به نتایج بیشتری هستند.

روانشناسان از زوایای خاص به تعریف هوش پرداخته‌اند؛ در علم روانشناسی اولین بار دیوید وکسلر<sup>۱</sup> هوش را توانایی کلی فرض کرد. او معتقد بود که هوش عبارت است از «توانایی حل مسئله و سازگاری با محیط است، منطقی اندیشیدن و فعالیت هدفمند»<sup>۲</sup>

در لغتنامه دهخدا آمده است: «هوش» را زیرکی، آگاهی و شعور، عقل و فهم و فراست گویند»<sup>۳</sup>؛ همچنین هوش به معنای خودداری، احساس و تمییز هم آمده است.<sup>۴</sup>

در حقیقت مفهوم «هوش» توانایی ذهنی است که

---

1. David Wechsler ،1896-1981

۲. براهنی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۸

۳. برهان

۴. دهخدا، جلد ۱۳، ص ۲۰۸۵۷

فرد دارای هوش قابلیت استدلال، حل مسئله، یادگیری و تفکر را دارد و (IQ) به منظور قدرت درک و روابط بین پدیده‌هاست.

«هوش را می‌توان قابلیت برای تأمین نیازمندی‌های انسان از قبیل نشاط و حالتی برای فعالیت و در نتیجه اعمال و رفتارها و برآوردن نیازهای اساسی و ضروری و ادامه زندگی به طور کلی هماهنگ کردن انسان‌ها با محیط اطراف دانست»<sup>۱</sup>.

## تعاریف هوش از دیدگاه اسلام

مفهوم هوش بر خلاف ظاهر سهل آن، دارای پیچیدگی خاصی است. برای بررسی مفهومی این کلمه در آیات و روایات به جستجوی واژه‌ای هم معنی با آن در ادبیات عرب می‌پردازیم؛

بررسی این مفهوم در تعاریف برخی از لغت‌دانان عرب:

---

۱. نجاتی، محمدعثمان، ۱۳۸۴

۱. معادل معروف مفهوم هوش در زبان عربی، «ذکاء» به معنای زیرکی و از ریشه «ذکو» و نیز «فِطْنَه» از ریشه «فطن» است.<sup>۱</sup>

۲. ابن منظور در «لسان العرب» آورده است: «الذَّكَاءُ: سُرْعَةُ الْفِطْنَةِ»؛ ذکاء؛ سرعت درک و تیزفهمی است؛ یعنی تیزهوشی و زیرکی.<sup>۲</sup> ابن منظور، ۱۳۳۵ ج ۱۴، ص ۲۸۷.

۳. ازدی در کتاب الماء می نویسد: «الْفِطْنَةُ: الْحِدْقُ وَ سُرْعَةُ الْإِدْرَاكِ وَ سُرْعَةُ الشُّعُورِ»؛ یعنی مهارت و ادراک و شعور سریع. همچنین در لغت، ذکاء به «فطنه» نیز معنا شده است.<sup>۳</sup>

۴. فیومی در «مصباح المنیر» در این باره تصریح کرده است: «الذَّكَاءُ فِي الْفَهْمِ إِذَا كَانَ تَامَ الْعَقْلِ سَرِيعَ الْقَبُولِ» تیز فهمی زمانی است که عقل در

---

۱. ازهری، ۱۴۲۱ق جزء، ۱۴، ص ۲۸۷.

۲. ابن منظور، ۱۳۳۵ ج ۱۴، ص ۲۸۷.

۳. ازدی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۰۰۵.

فهم مطالب سریع باشد و مقصود را زود دریافت کند.<sup>۱</sup>

۵. ازهری در «تهذیب اللغه» آورده است: «الذکاء فی الفهم: أَنْ یكونَ فهِمًا تَامًّا سَرِيعَ القَبُولِ»؛ تیزهوشی و زیرکی در فهم یعنی فهم کاملی از مطلب که پذیرش آن در ذهن مخاطب زود و سریع باشد.<sup>۲</sup>

طبق این تعاریف در زبان عربی بهترین معادل هوش، «ذکاء» و «فطنه» است که مرحوم نراقی آن را در فصلی با عنوان «خبائث و ردایل قوهی عاقله» متذکر شده و مکر و حيله را مقابل هوشیاری، ذکاء، زیرکی و سرعت فهم می‌داند.

در عرف دانشمندان اسلامی، گذر از مقدمه به نتیجه زودتر از زمان معمول را به علت هوش بالاتر می‌دانند؛ در عین حال اگر از آن در جهت اهداف شیطانی استفاده شود به آن مکر و حيله و اگر در جهت مقاصد انسانی و الهی

---

۱. فیومی، ۱۴۱۴ق، جلد ۱، ذکی، ص ۲۰۹

۲. ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۸۸

باشد، ذكاء و هوشیاری می‌گویند.<sup>۱</sup>

همانطور که گفته شد با توجه به نظر اندیشمندان عرب، در زبان عربی در بیان لغوی، عرفی و روایات غالباً کلمه «ذكاء» به معنای زیرک بیان شده است اما در قرآن کریم به «عقل» بیشتر اشاره شده است. البته میان واژه «هوش» و «عقل» از نظر مفهومی فاصله‌ای معنادار وجود دارد اما هر دو آنها از امتیازات انسان نسبت به دیگر موجودات است و هر دو واژه در متون دینی دارای اهمیت هستند. کامیابی انسان در پرتو بهره‌وری توأمان از هوش و عقل است که سبب شکوفایی استعدادهای انسان می‌شود؛ هوش، در یادگیری افراد تاثیرگذار و سبب توانمندی انسان در ارتباط با دیگران، سازگاری با محیط، جهان بینی و ارتباط با فراسوی ماده می‌شود.

«عقل» در قرآن کریم معنای بسیار عمیقی دارد؛ برای پی بردن به ژرفای مفهوم این واژه در قرآن، ابتدا به بررسی احادیث در رابطه با آن پرداختیم که نتایج آن

---

۱. نراقی، ۱۳۸۶، فصل سوم راه شناخت نفس

## بدین شرح است؛

- گویی به وسیله عقل، خوبی‌ها و بدی‌ها و تفاوت‌ها و زمینه‌های آن، شناخته می‌شود و این معیار تکلیف شرعی است.
- عقل، ملکه‌ای که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرا می‌خواند.
- تعقل و دانستن در برابر جهل (نادانی) قرار می‌گیرد، نه در برابر دیوانگی<sup>۱</sup>.
- عقل منشأ وجدان اخلاقی و نیرویی در متن وجود انسان است که او را به ارزش‌های اخلاقی دعوت می‌کند و از ضد ارزش‌ها باز می‌دارد.<sup>۲</sup>
- در متون اسلامی، مبدأ این شعور که احساس ارزش‌های اخلاقی را در انسان به وجود می‌آورد،

---

۱. عاملی، ۱۴۰۹ق.ج ۱۵ ص ۲۰۹

۲. حق شناس، بشنو از نی، ج ۱، ص ۱۷۳، ۱۳۸۳

«عقل» نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

– غالباً از «عقل» به عنوان منشأ ادراکات انسان یاد شده؛ کاربرد دیگر آن به عنوان منشأ تفکر است.

## تمایز عقل و هوش

هر چند عقل و هوش، هر دو از مقوله ادراک و شناخت می‌باشند و از این جهت بسیار شبیه و نزدیک به هم هستند اما در مورد عقل می‌گویند، هر انسانی یک قوه «عاقله» دارد که این قوه عاقله دو جهت دارد: یکی «فکر و اندیشه» که با آن می‌فهد و ادراک می‌کند. دوم «انگیزه» است که با آن عمل می‌کند. بطور کلی عقل علاوه بر توانایی در یادگیری، توانایی ارتباط با دیگران، سازگاری با محیط و نظایر آن، از توانایی‌های دیگری نیز برخوردار است. از این رو عقل را زینت انسان می‌دانند زیرا وقتی انسان عاقل شد، کارهای او حساب شده انجام

می‌گیرد. بر اساس آنچه در متون اسلامی در مورد عقل و آثار وجودی آن آمده است عقل فراتر از هوش است.

با نگاهی اجمالی به تعاریف ارائه شده در مورد «هوش»، مشخص می‌شود که در همه آنها یک نقطه اشتراک محوری وجود دارد که عبارت است از توانایی درک روابط بین پدیده‌ها.

در بررسی روایات در مورد عقل به دو تعبیر نزدیک به هم برمی‌خوریم؛ گاه از «عقل» به عنوان «نور» یاد شده و گاهی نیز آن را «حجت باطن» خوانده که هر دو تعبیر بیانگر قوه شناختی است؛ بدین ترتیب «عقل» یک قوه کلی ادراکی شناختی است که کار آن شناخت، اندیشه، تمیز و تشخیص می‌باشد و در راه رسیدن به کمال، انسان را هدایت می‌کند. طبق یافته‌های بدست آمده در ادامه به توضیح و بررسی بیشتری خواهیم پرداخت.

معروف‌ترین نوع هوش، هوش شناختی (IQ) است. «هوش شناختی» به‌طور کامل منطبق با عقل نیست. در مواردی، ویژگی‌های عقل و هوش شناختی بر هم منطبق

نمی‌شوند؛ برای عقل ویژگی‌هایی وجود دارد که در موارد و مصادیق، این ویژگی‌ها در هوش یافت نمی‌شود و با یقین نمی‌توان گفت، هر جا عقل باشد، هوش هم هست. گاهی مشاهده می‌کنیم که با وجود بهره‌ی هوشی بالای یک فرد، از عقل یا عقل‌ورزی خبری نیست؛ از جمله این افراد، برخی از شخصیت‌های منفی تاریخ هستند که علیرغم اینکه از هوش و زیرکی بسیار بالایی برخوردار هستند اما در مقابل از عقل بهره‌ای نبرده‌اند یا دست کم از عقل‌ورزی محروم هستند و توان استفاده سالم و بهینه از عقل خود را ندارد. در واقع وجه تمایز را می‌توان اینگونه بیان کرد که افراد دارای عقل و خرد به ارزش‌های اخلاقی و انسانی پایبندند.

# تقسیمات هوش



هوش همانند یک سمفونی از نت‌های مختلف موسیقی است که هر یک از این نت‌ها در یک ساز متفاوت نواخته می‌شود؛ گونه‌های مختلفی هوش در ذهن ما وجود دارد؛ شاید بیش از ۱۰۰ نوع هوش مختلف موجود می‌باشد که در افراد مختلف قوت و ضعف دارد.

هاوارد گاردنر (۱۹۸۳) بر این عقیده است که همه انسان‌ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند و انسان‌ها

را نمی‌توان فقط با هوش شناختی (IQ) مورد بررسی قرار داد بلکه باید قابلیت‌های دیگری را نیز در بشر بررسی کرد. گاردنر نظریه خود را در کتابی با عنوان «نظریه‌ی هوش‌های چندگانه» به چاپ رسانده که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

روان‌شناسان تقسیم‌بندی‌های متفاوتی در مورد انواع هوش ارائه کرده‌اند اما به دلیل آنکه انسان موجود پیچیده‌ای است، با نگرش و مطالعات بیشتر روان‌شناسان در شخصیت انسان‌ها و به دست آوردن قابلیت‌های افزون‌تر، تقسیمات بیشتری انجام شده است.

## هوش انسانی منطقی - ریاضی

قابلیت این هوش در کار با اعداد و انجام کارهای مختلفی شامل ریاضی، آزمایش‌ها، تحقیقات و اثبات فرضیه‌ها می‌باشد. افرادی که از این هوش بهره‌مند هستند، استعداد قابل توجهی در مشاغل مرتبط با ریاضی، شیمی، مهندسی، برنامه نویسی، حسابداری، پژوهشگری،

برنامه ریزی مالی، تدریس ریاضی، شیمی، سرمایه گذاری و داروسازی دارند. برای پرورش هوش منطقی ریاضی، راه‌های زیادی وجود دارد که ساده و بسیار کاربردی هستند؛ کتاب خواندن و حل مسائل ساده ریاضی بصورت ذهنی و بدون استفاده از ماشین حساب از آن جمله است.

## هوش انسانی زبانی

توانایی فرد در استفاده مؤثر از کلمات را هوش زبانی می‌گویند. این افراد توانمندی قابل توجهی در پیدا کردن کلمات مناسب برای بیان مقصود، ترغیب یا متقاعد کردن دیگران دارند. مهارت این افراد در درک قالب و معنی و محتوای کلمات و بکار بردن زبان به منظور مقاصد مختلف مانند صحبت کردن، قصه‌گویی، توضیح و تحلیل، تدریس، طنز پردازی و یادآوری اطلاعات است. ناگفته نماند که این افراد شنونده‌های بسیار خوبی نیز هستند.

## هوش انسانی بصری - فضایی

افراد دارای این نوع هوش، قوه خیال بسیار قوی و فعالی دارند و توانایی بالایی در تصویرسازی ذهنی و تصویرسازی از دنیای فیزیکی در ذهن دارند. این اشخاص در معماری، نقاشی، مجسمه سازی، طراحی، عکاسی، شعبده بازی و... موفق هستند.

## هوش انسانی طبیعت‌گرایانه

این هوش توانایی فرد را در خواندن و درک طبیعت و تمام عناصر زنده درون و بیرون طبیعت افزایش می‌دهد. این افراد حساسیت خاصی نسبت به تمام عناصر زنده و غیرزنده طبیعت دارند. یک فرد طبیعت‌گرا به طور ذاتی در تشخیص و طبقه‌بندی گونه‌های متعدد گیاهان و جانوران در محیط اطرافش مهارت دارد. آنها در مشاغلی که با طبیعت سرو کار دارد مانند دامداری، باغداری، جنگل‌بانی، زیست‌شناسی، کشاورزی، زنبورداری و از این دست کارها بسیار موفق هستند.

## هوش انسانی موسیقی

ذهن این افراد بیش از هر چیز با موسیقی هماهنگ شده است. البته برای آنکه هوش موسیقی داشته باشید نیازی نیست که حتما یک آهنگ‌ساز، خواننده یا نوازنده مطرحی باشید. بلکه حتی انسان‌های عادی که شاید هرگز کاری با موسیقی نداشته باشند نیز ممکن است دارای هوش موسیقی بالایی باشند. ذهن چنین افرادی حتی در زمانی که شخص دیگری موسیقی را می‌نوازد، می‌تواند جزئیات، عناصر و صدای موسیقی را به درستی و با جزئیات تشریح کند. شخصیت‌های برجسته‌ای چون بتهوون، موتسارت و دیگر چهره‌های بارز موسیقی جهان، از جمله افرادی هستند که از هوش موسیقی بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند.

## هوش وجودی انسانی

اشخاصی که دارای این هوش هستند، نسبت به مسائل مربوط به هستی و انسان‌ها حساسیت بالایی از

خود نشان می‌دهند و سؤال‌هایی همچون، چرا زندگی می‌کنیم؟ چرا می‌میریم؟ و چراهای دیگر که مربوط به هستی انسان است را دنبال می‌کند.

## هوش بدنی - روان‌شناسی انسانی

افرادی که از «هوش بدنی» بهره‌مند هستند، فعالیت‌های ذهن-بدن آنها بسیار هماهنگ است و احساس قوی‌تری را نسبت به بدن خود دارند. این افراد در حرکتهای بدنی، انجام عملیات و کنترل فیزیکی قوی هستند. آنها همچنین در هماهنگ‌سازی چشم و دست مهارت دارند و افراد چالاک و تردستی هستند.

## هوش درون فردی انسانی

احساسات پیوند نزدیکی با هوش درون فردی دارد و این افراد از نوعی «هوش عاطفی یا (EQ) برخوردار می‌باشند. این نوع هوش به فرد توانایی درک احساسات خود و دیگران و شناخت انگیزه‌های دیگران را می‌دهد.

سواد عاطفی می‌تواند کمک زیادی به ایجاد مهارت‌های اجتماعی و تسهیل احساس داشته باشد. کسانی که هوش درون فردی بالایی دارند، آگاهی خوبی از وضعیت هیجانی، احساسات و انگیزه‌های خود دارند. این افراد از خودآزمایی، تخیل روزانه، کندوکاو کردن روابط خود با دیگران و برآورد توانائی‌های فردی خود لذت می‌برند.

## هوش برون فردی

هوش برون فردی به معنای توانایی درک نیت‌ها، انگیزه و خواسته‌های دیگران است. این هوش به افراد امکان می‌دهد که بتوانند تعامل بهتری با دیگران برقرار کنند. کسانی که هوش برون فردی بالایی دارند در تعامل با دیگران و درک آن‌ها قوی هستند و از روحیه کار تیمی بیشتری برخوردارند.

این افراد در سنجش هیجانات و درک انگیزه‌ها، تمایلات و مقصود اطرافیان و همچنین در تشخیص نقاط ضعف و قوت خود، استدلال و تفکر، درک نقش خود در

روابط با دیگران و ارزیابی الگوهای فکری مهارت داشته و از احساسات درونی، تمایلات و رؤیاهای، خود آگاهی دارند.

## هوش انسانی خودآگاهی

درک خود و فهمیدن احساسها و دلایل آنها، قدردانی و احترام به شرایط انسانها به طور کلی و توجه به خود و افراد اجتماع نشانگر وجود این نوع هوش در شخص است. چنین افرادی می‌توانند بخوبی مشکلات را حل کنند. از دیگر مشخصات این افراد عدم وابستگی به دیگران است.

## هوش اخلاقی

«هوش اخلاقی» یعنی توانایی و قدرت اعمال و رفتار درست از نادرست و درونی کردن آنهاست؛ هوش اخلاقی می‌تواند گستره و ژرفای توانمندی‌های فکری و عاطفی را در همه مراحل و ابعاد زندگی نمایان ساخته و نیکی و نیک خلقی را پدید آورد.

## هوش معنوی

«هوش معنوی» نگاهی نو به بُعد دیگری از هوش است که با توجه به پیشینه تحقیقات در مورد آن، همچنان در مباحث روان‌شناسی مغفول مانده است. هوش معنوی و ابعاد آن مرتبط با شناخت ارزش واقعی خود در زندگی و روابط میان فردی می‌باشد.

گاردنر در این باره می‌گوید: اعتقاد بر اینست که هر کدام از افراد توانایی شکل دهی به دنیا را دارند و اگر با هم متحد شوند و هماهنگ و هم صدا رفتار کنند، می‌توانند با قدرت بیشتری در موضوعات چالش برانگیز، کار کنند. گاه یک تجربه دردناک برای افراد باعث می‌شود که آنها دریابند زندگی موارد و حقایق بسیار ارزشمندتری از تجارت‌های بزرگ، با کسب سودهای میلیونی دارد و به این ترتیب آنها به یکباره چرخش سریع به سوی شرایط کاملاً متفاوت دارند که بسیار با ارزش‌تر از داشتن آرمان‌های مادی‌گرایانه است<sup>۱</sup> و گذر زمان و آرمان‌های

مادی گرایانه تغییری در ارزش‌ها و درک متقابل آنها نخواهد داشت.

وی که در نظریهٔ هوش‌های چند گانه تحولی را در مفهوم هوش بوجود آورده، معتقد است استعداد افراد محدود به یک هوش شناختی نیست.

## هوش مصنوعی

«هوش مصنوعی» تکنیکی برای خلق کردن ماشین‌هایی است که بدون نیاز به انسان‌ها، قادر به فکر کردن هستند. این شاخه از علوم بسیار گسترده و متنوع است و شامل علوم و فناوری‌هایی است که به طراحی سیستم‌های ساده تا بسیار پیچیده ماشین آلات می‌پردازند. هوش مصنوعی برای تبدیل کامپیوتر به ماشینی است که بتواند اعمال انجام شده توسط انسان را انجام دهد، مانند: ترجمه یک زبان به زبان دیگر، دانش و مهندسی، ساختن ماشین‌های هوشمند و به ویژه برنامه‌های کامپیوتری هوشمند. به‌طور خلاصه «هوش مصنوعی» ترکیبی از

علوم کامپیوتر، فیزیولوژی و فلسفه است.<sup>۱</sup>

## هوش هیجانی

«هوش هیجانی» را اولین بار در سال ۱۹۹۰، روان‌شناسی به نام پیتر سالووی ضمن مقالات گسترده‌ای تشریح کرد. او هوش هیجانی را کیفیت و درک احساسات افراد، همدردی با احساسات دیگران و توانایی اداره مطلوب خلق و خوی دانست. در حقیقت، این هوش، مشتمل بر شناخت احساسات خویش و دیگران و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیمات مناسب در زندگی است.<sup>۲</sup>

## مفهوم هوش شناختی (IQ)

«هوش شناختی» یکی از مهم‌ترین فرایندهای درونی است که تعاریف و تقسیمات متعددی برای آن بیان شده

---

۱. جلوه گر، ۱۳۸۵، ص ۱۱

۲. حسن‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۲

است. می‌دانیم که خود «هوش» در روان‌شناسی تعریف مشخصی ندارد و معمولاً به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها اطلاق می‌شود. در گذشته در تعریف «هوش» فقط یک نوع از آن را که شامل مهارت‌های کلامی، ریاضی و تفکر منطقی بود، مد نظر داشتند. اما امروزه تعریف دیگری در این رابطه وجود دارد که از آن به عنوان «هوش شناختی» یاد می‌شود که از لحظه تولد ثابت و غیرانعطاف‌پذیر است و پیوند اندکی با موفقیت دارد؛ شاید استعداد کودکی که هنوز به مدرسه نرفته اما می‌تواند برخی از کلمات را بنویسد تا حدودی مرتبط با (IQ) دانست.

به نظر می‌رسد کامل‌ترین تعریف از «هوش» را دیوید وکسلر ارائه داده است: «هوش، ظرفیت کلی یا پیچیده فرد، در عمل کردن به یک هدف معین، در فکر کردن به طریقی به‌جا و متناسب با تعاملات و مناسبات سودمند با محیط است»<sup>۱</sup>.

به طور کلی بهره‌ هوشی (IQ) به تنهایی نمی‌تواند

آمادگی لازم را در فرد هنگام مواجهه با مشکلات ایجاد کند و تجربه‌های فرد نقش مهمی در چگونگی رویارویی او با مشکلات و شرایط جدید دارد، اما در آزمون‌های (IQ) تجربه‌های انسان که احساسات، تمایلات او را نشان می‌دهد، نادیده گرفته می‌شود؛ اساساً «هوش شناختی» افراد ارتباطی با تجربیات فرد ندارد زیرا این نوع هوش روابط بین پدیده‌ها را درک می‌کند و با خوب یا بد آن نیز کار چندانی ندارد چرا که فاقد هوشیاری عاطفی<sup>۱</sup> است زیرا این فرد در درک موقعیت شخصی خویش ضعیف است.

نظریه پردازان معتقدند (IQ) به ما می‌گوید صرفاً چه کار می‌توان انجام داد. مهم‌ترین تفاوت بین هوش شناختی (IQ) و هوش هیجانی (EQ) این است که این هوش (IQ) پاسخگوی نیازها در تمام زمینه‌های بشر نیست و به مسائلی مانند ریاضیات، تحلیل، تفکرات خطی می‌پردازد. تست هوش ریاضیات تنها یکی از مصادیق

---

۱. هوشیاری عاطفی یا سواد عاطفی همان چیزی است که به افراد در تنظیم، توصیف و درک تجربه درونی خود و همدلی با دیگران کمک می‌کند.